

Criminological Prevention of Girls Running away from Home (Case Study: Tehran)

Received: 30, April, 2022

Accepted: 15, June, 2022

Article type: Research Article

PP: 121-150

DOI:

[10.22034/entezam.2023.1272852.2489](https://doi.org/10.22034/entezam.2023.1272852.2489)

Maryam Valizadeh

MA in Criminal Law and Criminology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. Email:

vlzade.mrym@gmail.com

Shahrdad Darabi

Associate Professor, Department of Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran (Corresponding Author). Email: shahrdad.darabi@yahoo.com

Saman Abdulahi

PhD in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email:

samanabdollahi1373@gmail.com

Abstract

Background and objectives: Depending on their type, social issues have different effects on and consequences for the society. Running away from home, especially girls running away from home, is one of the most important social harms, which is considered a serious threat to society as a whole. A child or teenager who leaves home without the permission of parents or guardian is considered a runaway child or teenager. Based on this, the aim of this research is to examine the criminological prevention of the phenomenon of girls running away from home in Tehran.

Method: The present research is of a quantitative type and is in the group of applied research, and in terms of method, it is a descriptive research type. In this research, the data were collected using field study. The statistical population of the research is all the runaway girls in Tehran and due to the uncertainty of the number of runaway girls, 180 people were selected as the sample size using the unlimited population sample size formula. The data collection tool, researcher-made questionnaire, has a face validity and reliability of 0.7. In this research, artificial and equivalent average data have been used. Data analysis was done at two descriptive and predictive levels, and in order to measure the effect of independent research variables on dependent variables, correlation tests and structural equation models were used using SPSS and AMOS statistical software.

Findings: The findings of the hypothesis test in three general hypotheses showed that the social fields, psychological fields and criminological fields in preventing the escape of girls were confirmed with positive and significant coefficients and according to the significance level of less than 5%, the results could be overgeneralized to the statistical society. In addition, in structural equation modeling, all factor loadings with high coefficients have been able to define latent variables, and in the discussion of modeling, criminological fields with a coefficient of 0.61 have the highest effect on preventing girls from running away, as well as psychological fields with a coefficient of 0.32 and social fields with a coefficient of 0.29 have an effect on preventing girls from running away.

Results: Girls running away from home can happen for various reasons; and to prevent it, relying on social, psychological and criminological strategies is an undeniable necessity.

Keywords: The girls running away from home, Criminological prevention, Social factors, Psychological factors.

پیشگیری جرم‌شناختی از پدیده فرار دختران از منزل (مورد مطالعه: شهر تهران)

چکیده

زمینه و هدف: مسائل اجتماعی بسته به نوع آن‌ها هر کدام دارای آثار و تبعات مختلفی برای جامعه هستند. فرار از خانه به‌ویژه فرار دختران از خانه یکی از آسیب‌های مهم اجتماعی است که برای کلیت جامعه تهدیدی جدی محسوب می‌شود. کودک یا نوجوانی که بدون اجازه والدین یا سرپرست خانه را ترک می‌کند، کودک یا نوجوان فراری قلمداد می‌شود. بر همین اساس، هدف این پژوهش بررسی پیشگیری جرم‌شناختی از پدیده فرار دختران از منزل در شهر تهران است.

روش: پژوهش حاضر از نوع کمی و در گروه تحقیقات کاربردی قرار دارد و به لحاظ روشی از نوع تحقیقات توصیفی است. در این پژوهش، داده‌ها به‌صورت میدانی گردآوری شده‌اند. جامعه آماری پژوهش، همه دختران فراری شهر تهران هستند که به‌دلیل نامشخص بودن تعداد دختران فراری، با استفاده از فرمول حجم نمونه جامعه نامحدود، تعداد 180 نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه محقق‌ساخته دارای روایی صوری و پایایی بالای 0/7 بوده است. در این تحقیق، از داده‌های تصنعی و معادل میانگین استفاده شده است. تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی و پیش‌بینی انجام شده و به‌منظور سنجش اثر متغیرهای مستقل تحقیق بر وابسته از آزمون‌های همبستگی و مدل معادله ساختاری از نرم‌افزارهای آماری Spss و Amos استفاده شده است.

یافته‌ها: یافته‌های حاصل از آزمون فرضیات در سه فرضیه کلی نشان داده شد که حوزه‌های اجتماعی، حوزه‌های روان‌شناختی و حوزه‌های جرم‌شناختی در پیشگیری از فرار دختران با ضرایب مثبت و معناداری مورد تأیید واقع شد و با توجه به سطح معناداری کمتر از 5 درصد، نتایج قابلیت تعمیم به جامعه آماری را داشت. علاوه بر این، در مدل‌سازی معادله ساختاری نیز همه بارهای عاملی با ضرایب بالایی توانسته‌اند متغیرهای پنهان را تعریف کنند و در بحث مدل‌سازی نیز حوزه‌های جرم‌شناختی با ضریب 0/61 بالاترین اثر را بر روی پیشگیری از فرار دختران دارد و همچنین حوزه‌های روان‌شناختی با ضریب 0/32 و حوزه‌های اجتماعی با ضریب 0/29 بر روی پیشگیری از فرار دختران اثر دارد.

نتیجه‌گیری: فرار دختران از منزل می‌تواند به دلایل مختلفی رخ دهد؛ و برای پیشگیری از آن اتکا به راهبردهای اجتماعی، روان‌شناختی و جرم‌شناسی یک ضرورت غیرقابل‌انکار است.

کلیدواژه‌ها: فرار دختران، پیشگیری جرم‌شناختی، عوامل اجتماعی، عوامل روان‌شناختی.

دریافت: 1401/02/10

پذیرش: 1401/03/25

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

صص: 121-150

شناسه دیجیتال (DOI):

[10.22034/entezam.2023.1272852.2489](https://doi.org/10.22034/entezam.2023.1272852.2489)

مریم ولی‌زاده

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. رایانامه:

vlizade.mrym@gmail.com

شهرداد دارابی

دانشیار گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه:

shahrdad.darabi@yahoo.com

سامان عبدالمهی

دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه:

samanabdollahi1373@gmail.com

خانواده، اساسی‌ترین نهاد مؤثر بر رشد اجتماعی و شخصیت کودکان، به‌ویژه در سال‌های حساس اولیه زندگی است. خانواده تحت شرایط صحیح، کودکان را آماده می‌سازد تا توانایی‌های بالقوه خود را شناسایی کنند و به‌عنوان افراد بالغ نقش‌های سودمندی را در جامعه بر عهده گیرند. اگر کارکردهای خانواده به‌خوبی محقق نشود، اعضای خانواده در معرض آسیب‌های اجتماعی زیادی خواهند بود. یکی از این آسیب‌ها، فرار کودکان از خانه است. فرار از خانه از جمله رفتارهای شایع در بین اطفال و نوجوانان است که می‌تواند تبعاتی نیز برای آن‌ها و خانواده‌هایشان و حتی جامعه در پی داشته باشد. اگرچه در نگاه اول، «فرار» پدیده‌ای فردی به نظر می‌رسد، اما با توجه به پیامدهای سوء آن برای جامعه باید آن را از آسیب‌های اجتماعی به حساب آورد و فرار را یکی از زمینه‌های گسترش بزه و انحراف در جامعه دانست. دختران فراری از خانه معمولاً شامل آن دسته از دختران ۱۲ تا ۲۰ سال می‌شود که حداقل یک شب را در خیابان، یک مکان عمومی یا یک پناهگاه سپری کرده‌اند و معمولاً یک جمعیت پنهان هستند که عموماً رفتارهای پرخطری را انجام می‌دهند (سولوریو، میلبرن، روترام-بوروس، هیگینز و گلبرگ^۱، ۲۰۰۶، ص ۱۸۰).

فرار از خانه به‌ویژه فرار دختران از خانه یکی از آسیب‌های مهم اجتماعی است که برای کلیت جامعه تهدیدی جدی محسوب می‌شود. کودک یا نوجوانی که بدون اجازه والدین یا سرپرست خانه را ترک می‌کند، کودک یا نوجوان فراری قلمداد می‌شود (معظمی، ۱۳۸۲؛ قلی‌زاده، بخشی‌پورو باباپورخیرالدین، ۱۳۸۸، ص ۱۴۰). فرار از خانه و ورود به دنیایی که احتمال بزهکاری را افزایش می‌دهد، جزو مهم‌ترین خطرهای در کمین اطفال و نوجوانان است؛ فرار می‌تواند جلوه‌ای از نابسامانی‌ها، طغیان‌ها و تضادهای مختلفی باشد که در افراد مختلف به صورت‌های گوناگون رخ می‌دهد. افراد هنگامی فرار می‌کنند که احساس می‌کنند زندگی خود را باخته‌اند، توانایی کنارآیی خود را از دست داده‌اند و راه دیگری ندارند (نوابخش و قائده‌محمدی، ۱۳۸۶، ص ۵۸). پدیده فرار از منزل به‌ویژه در

1- Solorio, Milburn, Rotheram-Borus, Higgins & Gelberg

دختران از پدیده‌های مهم مورد بررسی توسط روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، روان‌پزشکان و مربیان تربیتی است و متغیرهای زیادی در ارتباط با آن شناخته شده‌اند (دی‌مان^۱، 2000، ص 261). همچنین فرار از خانه هم پیامد و هم یک عامل کمک‌کننده به مشکلات سلامتی روانی در میان اطفال و نوجوانان است. اغلب اختلالات روانی در نوجوانی شروع می‌شود و خطر فرار از خانه را به‌طور قابل توجهی تشدید می‌کند و بیش از 85 درصد از نوجوانان فراری سطوح بالایی از پریشانی روانی را گزارش می‌کنند (عبدال، اوبین، گیوت، لعل، دوپون، بائوکو و ایر^۲، 2019، ص 22).

به‌طور کلی، دختران فراری و بی‌خانمان جمعیت زیادی از اطفال و نوجوانان را تشکیل می‌دهند که خارج از کنترل و حمایت والدین و سرپرستان زندگی می‌کنند و آسیب‌های متعدد و عوامل خطر را تجربه می‌کنند (گوادز^۳ و همکاران، 2018، ص 112). دختران فراری در صورت بازنگشتن سریع یا بازنگرداندن سریع آن‌ها به دامن خانواده و رها شدن در اجتماع، در شرایط موجود جامعه ما و به‌دلیل نبود حمایت‌های قانونی و ممکن نبودن دستیابی به مکانی امن و یافتن شغلی شرافتمندانه با مشکلات و مصائب بی‌شماری مواجه خواهند شد؛ به‌طوری‌که بخت کمتری را برای بازگشت به زندگی سالم و طبیعی خواهند داشت (قلی‌زاده و همکاران، 1388، ص 140). بر اساس رویکردهای اجتماعی و جرم‌شناسی بالینی موجود، عوامل مرتبط با فرار دختران شامل داشتن سابقه قبلی آزار جسمی یا جنسی درون خانوادگی، بیماری روانی والدین، خشونت خانگی، درگیری نوجوان و والدین و انزوای اجتماعی است. علاوه بر این، نوجوانان مبتلا به اختلالات رفتاری، اختلالات ارتباطی و ناتوانی‌های یادگیری بیشتر احتمال دارد فرار کنند و سوءاستفاده جنسی قبلی یک عامل خطر منحصربه‌فرد است که به‌دلیل تأثیرات تحقیرآمیز در نوجوان منجر به پیامدهای روانی و اجتماعی می‌شود. همچنین سوءاستفاده جنسی توسط یکی از اعضای خانواده، فردی خارج از خانواده، یا هر دو، ممکن است یک عامل تسریع‌کننده در اولین

1- De Man

2- Abdel, Aubin, Guillot, Lal, Dupont, , Bauco, Iyer

3- Gwadz

رویداد فراری شدن فرد باشد (ادینبورگ و ساویک^۱، 2009، ص 43). بر همین اساس، حوزه‌های روان‌شناختی نقش بازنده‌ای در پیشگیری از فرار در منزل دارند.

با توجه به افزایش آمار خانه‌گریزی دختران و آسیب‌های جدی‌ای که از این اتفاق متوجه افراد خانواده‌ها و به‌تبع آن جامعه می‌شود (میرزمانی‌بافقی، 1383، ص 25)، باید بر اهمیت مطالعه این پدیده در جامعه تمرکز کرد. از طرفی نیز تبیین جرم‌شناختی بالینی این پدیده ضرورتی غیرقابل‌انکار برای جامعه دارد (جزایری و قائدی، 1400، ص 89). در مورد فرار دختران از خانه نیز آموزه‌های جرم‌شناختی بالینی به‌طور روشنی بر مفروضات روانی مرتبط با جرم تأکید دارند. بر همین اساس، دختران نوجوان زمانی که برای اولین بار فرار می‌کنند، احتمال بیشتری دارد که درگیر رفتارهای مخاطره‌آمیز سلامتی مانند مصرف مواد مخدر، فعالیت‌های مجرمانه و خشونت شوند و نوجوانانی که در سنین پایین فرار می‌کنند نیز بیشتر از نوجوانان بزرگ‌تر احتمال دارد چندین بار فرار کنند و در نتیجه از نظر جنسی قربانی شوند و درگیر مصادیق مجرمانه شوند (ادینبورگ و ساویک، 2009، ص 43). اگرچه نوجوانان فراری از خانه رفتارهای مشکل‌زای متعددی از خود نشان می‌دهند، اما در بیشتر کشورها عوامل محافظتی که می‌توانند با برنامه‌های پیشگیری مورد هدف قرار گرفته و اصلاح شوند تا احتمال دخالت در رفتارهای پرخطر را کاهش دهند (لایتفود، آستین، تیوندل و پرستون^۲، 2011، ص 878). به‌طورکلی، آسیب‌های اجتماعی نظیر فرار از خانه دارای زمینه‌ها و ابعاد مختلفی هستند و عوامل گوناگونی از جمله عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی در پیشگیری از آن مؤثر هستند و جامعه‌هنگامی سالم و متعادل خواهد بود که افراد آن جامعه، از سلامت اجتماعی و روانی برخوردار باشند (موسوی، 1386، ص 18). بر همین اساس، این پژوهش درصدد است تا با پشتوانه نظری در سه حوزه مذکور، نقش این حوزه‌ها را در پیشگیری از پدیده فرار دختران در شهر تهران بررسی کند.

1- Edinburgh & Saewyc

2- Lightfoot, Stein, Tevendale & Preston

پیشینه و مبانی نظری

جزایری و قائدی (1400)، در پژوهشی با عنوان «جرم‌شناسی بالینی و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران» به این موضوع پرداخته‌اند که اصلاح و درمان بزهکاران به‌عنوان نتیجه دستاوردهای جرم‌شناسی بالینی، اهمیت وافری در حقوق کیفری نوین دارد. این امر منجر به شکل‌گیری سیاست اصلاح و درمان بزهکاران شده است. این سیاست از حفظ و نگه‌داری بزهکار در جامعه، تحت درمان قرار دادن او و حذف الگوهای کیفرمدار و تنبیهی سخن به میان می‌آورد. پیکری، بارانی و حسن‌زاده (1399)، در پژوهشی با عنوان «علل و عوامل فرار دختران از منزل (مطالعه موردی: شهر آمل)» نشان دادند که خانواده به‌عنوان اولین و مهم‌ترین نهاد جامعه، نقش بسزایی در تربیت، پرورش و اجتماعی‌نمودن فرزندان با معیارها و ارزش‌های جمعی به عهده دارد و در صورت کژکارکردی یا کارکرد نامناسب، عواقب و پیامدهای ناگواری در انتظار فرزندان خواهد بود. عامل دوم، شخصیت فرد و خصیصه‌های فردی است که در روبه‌رو شدن با مشکلات و مسائل خانوادگی و اجتماعی، واکنش و پاسخ نشان خواهد داد. عامل سوم، جامعه و عناصر آن است که در تشدید یا کاهش آسیب‌های فرزندان نقش مهمی بر عهده دارد. درنهایت، نقش سازمان‌های حامی و حمایتگر است که در صورت ناکارآمدی خانواده، شخصیت متزلزل فرد و فضای جامعه، نقش مهمی در تعدیل، بازپروری، اصلاح و باز اجتماعی فرد آسیب‌دیده بر عهده خواهند داشت. شفیع‌پور (1395)، در پژوهشی با عنوان «پدیده فرار دختران از منزل (معضل شهرهای بزرگ)» به این موضوع پرداخته‌اند که امروزه در اکثر کشورهای جهان شاهد پدیده نوظهوری به نام فرار از خانه توسط دختران هستیم. این پدیده، معضلی جدی برای شهرهای بزرگ به‌وجود آورده است که فقط به فرار از خانه محدود نمی‌شود بلکه پیامدهای دیگری نیز به دنبال دارد که می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از دگرگونی‌های رفتاری و ناهنجاری‌های اجتماعی نظیر فساد و فحشا، اعتیاد و قاچاق مواد مخدر و سرقت و شیوع بیماری‌های مقاربتی باشد. پدیده فرار دختران معلول علت‌های متفاوتی است که این علت‌ها در درجه اول ریشه در جامعه و ویژگی‌های قومی،

محدودیت عرفی و قانونی دارد، اما آمار و ارقام دقیقی که وضعیت این پدیده را در کشور نشان دهد در اختیار نیست. در انتها این نتیجه مهم حاصل شده است که محیط‌های نامساعد و طاقت‌فرسای خانواده همراه با خشونت‌های خانگی و در کنار آن اعتیاد والدین و فقر اقتصادی به‌عنوان عوامل بعدی در بروز این پدیده به‌شمار می‌رود و با آشنایی با این عوامل و معضلات، سعی بر آن شده است که پیشنهاد‌های مناسبی برای پیشگیری این پدیده و کاهش پیامدهای منفی و آسیب‌های ناشی از آن ارائه شود. زمانی (1393)، در پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی وضعیت خانوادگی دختران فراری در شهر تهران (با رویکردی به نظریه تعارض فرهنگی و خرده‌فرهنگ)» به این موضوع پرداخته‌اند که امروزه فرار دختران از خانه و مسائل و مشکلات همراه آن از جمله مهم‌ترین مسائل اجتماعی است که بسیاری از کشورها با آن دست‌به‌گریبان هستند. آمارها عموماً از بحرانی شدن این مسئله، به‌ویژه در ایران حکایت دارد. در این پژوهش، به بررسی وضعیت خانوادگی دختران فراری، به‌مثابه گروهی آسیب‌پذیر در جامعه، پرداخته شده و هدف از این بررسی آن است که با تکیه بر نظریه‌های موجود جامعه‌شناسی، به بررسی شرایط خانوادگی و عوامل تأثیرگذار در وقوع فرار و به تبع آن ایجاد بزه‌کاری در میان دختران نوجوان و جوان شهر تهران بپردازد. حقیقت‌دوست (1383)، در پژوهشی با عنوان «عوامل زمینه‌ساز فرار دختران از خانه» به بررسی دلایل فرار دختران از منزل پرداخته است. از نظر وی، فرار از خانه از جمله رفتارهای ناسازگارانه‌ای است که از کودکان و نوجوانان سر می‌زند و با توجه به پیامدهای سوء آن یکی از آسیب‌های خانوادگی و اجتماعی جامعه شناخته می‌شود؛ آسیبی که می‌تواند بهداشت روانی فرد و جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. روند رو به افزایش آمار فرار دختران از خانه، نگرانی و هشدار صاحب‌نظران را به دنبال داشته است. نظر به اهمیت و نقش تعیین‌کننده سلامت جسمانی و روانی کودکان و نوجوانان هر جامعه در تأمین بقا و آینده آن ملت و نیز تأثیرات سوء این معضل در سلامت روانی نوجوانان، پژوهش حاضر به بررسی مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز فرار دختران نوجوان و روشن ساختن برخی از زوایای تربیتی و روان‌شناختی این معضل پرداخته است.

جامعه آماری این پژوهش، دختران فراری شهر شیراز در سال 1381 است و تعداد نمونه، 30 دختر فراری است که با روش نمونه‌گیری در دسترس از سه مرکز بحران‌های اجتماعی، مرکز بازپروری زنان و زندان بررسی و تحلیل شده‌اند. گردآوری اطلاعات از طریق پرسش‌نامه و مصاحبه انجام گرفته و داده‌ها با استفاده از آزمون کای دو و محاسبه درصدی تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در فرار دختران از بین عوامل خانوادگی و اجتماعی، عامل خانواده نقش مهم‌تری از سایر عوامل داشته است؛ عمده‌ترین علت از بین عوامل خانوادگی به ترتیب جدایی والدین، نابسامانی‌های خانوادگی، اعتیاد یکی از والدین به‌ویژه پدر و سوء رفتار برادر بزرگ‌تر با خواهران قلمداد شده است. جمعیت خانواده کمترین تأثیر را بر متغیر مستقل این پژوهش داشته است. جداول تهیه‌شده، تفکیک عوامل مختلف خانوادگی، اجتماعی و جمعیت-شناختی، همچنین تأثیر هر یک از آن‌ها را بر رفتار گریز از منزل این دختران نشان می‌دهد.

فرار از خانه

فرار از خانه و خانواده یکی از انواع کج‌روی‌ها و معضلات حاد اجتماعی است که نه‌تنها در جامعه ما، بلکه در تمامی جوامع وجود دارد، اکثر دخترانی که از خانه می‌گریزند، مشکلاتی در محیط خانه داشته‌اند؛ اما آن‌ها که بیشتر از یک‌بار فرار می‌کنند، با سخت‌ترین مشکلات در خانه مواجه بوده‌اند. گریز از خانه معمولاً بعد از یک دوره طولانی مشاجره و ناسازگاری در خانه اتفاق می‌افتد (معظمی، 1383، ص 6) و بر اساس این تعاریف، اصطلاح «دختران فراری» به دخترانی اطلاق می‌شود که به هر دلیلی خانه و خانواده را ترک کرده و به محیط‌های دیگری چون خیابان، پارک، باند و ... روی می‌آورند. دختران فراری در بیشتر جوامع مشاهده می‌شوند. فرار از منزل معمولاً زمانی صورت می‌گیرد که خانواده دچار تنش شده و دختر فکر می‌کند که دیگر جایی در خانواده ندارد (فرجاد، 1378، ص 26). فرار نوجوانان حاصل تعامل عوامل متعددی در سطح فرد، خانواده، مدرسه و جامعه است. به نظر می‌رسد اغلب نوجوانانی که فرار می‌کنند، شرایط بسیار دشواری را در خانواده خود تجربه کرده‌اند. آن‌ها معمولاً خشمگین،

مضطرب، ناامید، افسرده و بی‌پناه هستند، احساس ناامنی می‌کنند و تحت فشارهایی قرار می‌گیرند که از حد تحملشان فراتر می‌رود؛ در نتیجه از خانه فرار می‌کنند (موسوی، 1386، ص 14). تحقیقات نشان می‌دهد که بسیاری از دختران فراری که در خیابان‌ها پرسه می‌زنند، اغلب برای بقا و خلاف میل خود مرتکب اعمال خلاف می‌شوند و با اینکه از برچسب فراری و بزهکار متنفرند، اما به دلیل عدم پذیرش خانواده و اجتماع، ناگزیر در اعمال خلاف قانون و اخلاق غوطه‌ور می‌مانند (معظمی، 1382، ص 27). دخترانی که از چیزی فرار می‌کنند؛ کسانی هستند که مشکلات و مسائل منفی درون خانواده مثل سوءاستفاده‌های جنسی و فیزیکی، مشکلات مالی، غفلت والدین معتاد یا ناپدیری و نامادری منجر به فرار آن‌ها از خانه می‌شود (معبودیان، 1394، ص 28). دختران فراری معمولاً در گروه سنی ۱۲ تا ۲۰ سال قرار دارند. موقعیت سنی این افراد نشان‌دهنده میزان آسیب‌پذیری، احتمال بزهکاری، بزه‌دیدگی و یا قربانی شدن در برابر سوءاستفاده‌های جنسی مختلف و دیگر سوءاستفاده‌ها است. در این مرحله اهمیت مداخله سریع همه‌جانبه خانواده و مسئولین ذی‌ربط بسیار حائز اهمیت است (فرجاد، 1378، ص 33). به‌طور کلی، نوجوان فراری بر اثر عوامل مختلفی به انتخاب خودش از خانه خارج شده و فرار می‌کند و برای پیشگیری از این فرار نیز عوامل مختلفی سهیم هستند که این عوامل پیشگیرانه در سه حوزه اصلی «حوزه‌های اجتماعی، روان‌شناختی و جرم‌شناختی» مورد توجه هستند.

1. حوزه‌های روان‌شناختی

حوزه‌های روان‌شناختی و کنترل روان‌شناختی به باور بسیاری از محققان و جرم‌شناسان در پیشگیری از جرائم نقشی سازنده دارند. در بیشتر سیستم‌های قضایی کمک‌های روان‌شناختی می‌تواند از مصادیق مجرمانه پیشگیری کنند (یانی، سیاهرین، آبلیزار و سیاهپوترا^۱، 2022، ص 259). بر اساس نتایج پژوهش‌ها و شواهد، در مقایسه با جمعیت عمومی دختران، شیوع قابل توجهی در بین دختران فراری از اختلالات روانی و اختلالات خاص مانند روان‌پریشی یا سوءمصرف مواد وجود دارد. در بین این افراد، خودآزاری، افکار و رفتارهای

1- Yani, Syahrin, Ablizar & Syahputra

خودکشی نیز بیشتر است و در دخترانی که برای مدت طولانی تری تجربه فرار داشته‌اند، میزان اختلالات روانی و پریشانی بالاتر است (عبدالکی و همکاران، 2019، ص 22). از آنجاکه تمایل و گرایش به رفتار انحرافی از سن نوجوانی شروع می‌شود، تمرکز بر این دوره از طرف روان‌شناسان و کارشناسان تربیتی یکی از مهم‌ترین روندهای پیشگیرانه از آسیب‌ها و جرائم است. بر همین اساس نوجوانان در دوره بلوغ، تغییرات گوناگونی در ابعاد شخصیتی نوجوان رخ می‌دهد که هرکدام به‌نوعی می‌تواند بر او اثر بگذارد و حتی گاهی شخصیت او را دگرگون سازد. استانلی هال¹ (1992) که به پدر روان‌شناسی بلوغ معروف است، این مرحله را «دوران طوفان و فشار» می‌نامد. نوجوان در این دوره، تمایلات و خواهش‌های متضادی دارد؛ با اینکه می‌خواهد با دوستان باشد، به‌تنهایی نیز علاقه‌مند است. وقتی فرد به دوره بلوغ می‌رسد مثل این است که فرد دیگری با خصوصیات بدنی و روانی متفاوتی در وی به‌وجود آمده است (احمدی، 1393، ص 17). در اغلب موارد، بحران بلوغ نوجوانی یکی از مهم‌ترین دلایل فرار از خانه است. علاوه بر این، اریکسون² عقیده دارد که افزایش زیاد انرژی در دوران بلوغ جنبه مخرب دارد. نوجوانان علاوه بر این در اثر تعارض‌ها و تقاضاهای اجتماعی دچار ناراحتی و سرگردانی می‌شوند و در اولین اقدام به دنبال هویتی مستقل از خانواده می‌گردند و ناگهان چنین احساس می‌کنند و صاحب اراده‌ای مستقل است و اگر این احساس شدید باشد، احتمال گریز از خانه بیشتر می‌شود (کرین³، 1385، ص 172).

همچنین نوجوانی که اطلاع کلی از تحول بلوغ نداشته باشد و تنها شایعات و کنایات مبهمی در این باره شنیده باشد، نه‌تنها آشفته و پریشان می‌شود، بلکه غالباً وحشت می‌کند. گاهی سکوت والدین در این موارد، منجر به سلب اعتماد و اطمینان نوجوانان از والدین می‌شود و برای کسب اطلاع، سراغ منابع اطلاعاتی ناقص می‌رود که گاهی او را با مشکلات جسمی و روانی مواجه می‌کنند (شعاری‌نژاد، 1392، ص 56). در این موارد والدین باید بپذیرند که فرزندان

1- Stanly Hall

2- Ericsson

3- Crain

بزرگ می‌شوند و مسیرهای خاص خود را برای زندگی انتخاب می‌کنند. در مورد فرار از منزل در زیر سن بلوغ، تفاوتی بین دختر و پسر نیست؛ یعنی اگر پسری تا وقتی تحت قیمومیت والدین یا والدین قانونی یا مؤسسه‌ای است، بدون اجازه، به منزل نیاید و شب را جایی دیگر بگذراند همان تشخیص فرار از منزل را دارد؛ اما حساسیت نسبت به فرار دختران از منزل بیشتر است و با توجه به خطرات بیشتری که دختران را تهدید می‌کند شاید این حساسیت مناسب باشد (موسوی، 1386، ص 23). بنابراین برای پیشگیری از فرار در منزل لازم است شناخت جنبه‌های مهم جسمانی، روانی، شخصیتی، عقلانی و اخلاقی نوجوانان توسط روان‌شناسان منجر به برخورد درست و صحیح با تغییرات جسمی - روانی به وجود آمده با افراد شود تا شیوه صحیح برخورد را یاد بگیرند و از بروز ناسازگاری‌های خاص این دوران پیشگیری کنند (منصور، 1378، ص 36)؛ چراکه تکامل عاطفی نیز در نوجوان راهبردی پیشگیرانه در فرار از خانه است و فرد در چنین موقعیتی ضمن بردباری، رنج و مشقت را تحمل می‌کند و دارای آینده‌نگری است. او می‌تواند مدتی انتظار بکشد و هنگام برخورد با یک مشکل، به جای تأسف و بی‌تابی درباره راه‌حل‌های آن می‌اندیشد و از پذیرش مسئولیت باکی ندارد و از ثبات عاطفی برخوردار است (شعاری‌نژاد، 1390، ص 338).

2. حوزه‌های اجتماعی

امروزه اغلب نظریه‌پردازان اجتماعی و جرم‌شناختی برای کنترل مصادیق مجرمانه به رویکردهای نظری اجتماعی و جامعه‌شناختی متوسل شده‌اند. از بین مهم‌ترین راهبردهای پیشگیرانه از جرم، راهبردهای اجتماعی بسیار مهم‌تر و راهبردی‌تر هستند (والش و فارینگتون¹، 2012، ص 2). به عبارت دیگر، مسائل اجتماعی از طریق خانواده‌گرایی می‌توانند به‌طور ویژه‌ای بر حفظ افراد از گرایش‌های مجرمانه مفید باشد. به نظر اکثر صاحب‌نظران اجتماعی، خانواده با همه آسیب‌های اجتماعی ارتباط دارد و از دیدگاهی معیار شناخت و سنجش آسیب‌های اجتماعی است (ساروخانی، 1390، ص 42). در همین ارتباط باید یادآور شد که فرایند جدایی و فاصله گرفتن نوجوانان از خانواده یکی از عوامل

گرایش به انحراف و کجروی است. درباره فرار دختران از منزل، عوامل گوناگونی، از جمله وضعیت اقتصادی - اجتماعی، روانی، منابعی که خانواده در اختیار دارد و محیط اجتماعی که در آن زندگی می‌کند، بر چگونگی روند جدایی مؤثر هستند (شفرز، 1395، ص 148). خانواده و اجتماع، به‌عنوان دو پایگاه مهم، نقش قابل توجهی در تربیت و جامعه‌پذیری فرزندان و شهروندان ایفا می‌کنند، لکن در مواقعی و به دلایل مختلف کارکرد و اثرگذاری خود را از دست داده یا فروغ آن‌ها کم‌سو شده و در نتیجه در عوض ایفای نقش پرورشی، کارکرد غیر تربیتی و بعضاً ضد تربیتی به خود می‌گیرند. یکی از نتایج رفتارهای غیر تربیتی بروز آسیب اجتماعی در قالب فرار، ترک یا طرد دختران از منزل است (قاسمی‌پیربلوطی، جعفری، خورشیدی و تنهایی، 1400، ص 1).

در برخی نظریات دیگر عامل دیگری در رفتار والدین در هنگام جدایی از فرزندان اشاره می‌شود که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر فرایند جدایی نوجوانان از خانواده تأثیر می‌گذارد. این عامل (تأخیر یا کنسیدی رفتار) در برابر فرزندان است. «والدین به ظاهر برای نشان دادن علاقه، محبت و احساس خود به فرزندان، اما در واقع برای پاسخگویی به نیازهای خود، معمولاً رفتاری با 2 تا 4 سال تأخیر در برابر فرزندان دارند». چنین نگرشی ناشی از استعمار پوشیده والدین از فرزندان به دلیل خودشیفتگی است. چنین رفتار فرایند جدایی را برای جوانان دشوار می‌کند. البته باید مسائل روانی ناشی از جدایی فرزندان از والدین و وضعیت ویژه و سخت والدین در این دوره از حیات آن‌ها را در نظر داشت (شفرز، 1395، ص 148). همچنین محیط نامساعد و تشنج‌آفرین خانواده، طلاق و اعتیاد والدین به‌خصوص پدر، ارتباط با دوستان ناباب، روابط کنترل‌نشده خانواده‌ها با یکدیگر، اختلاف والدین و فرزندان، کنترل و سختگیری افراطی و غیرمنطقی والدین، مشکلات حاد اقتصادی، احساس ناامنی در خانه، اختلالات شخصیت و روابط عاشقانه، ترس از رسوایی پس از تجاوز جنسی، مخالفت والدین با ازدواج دختران با شخص موردنظر یا آزار ناپدری و یا نامادری، آزارهای جسمی و جنسی از سوی نزدیکان به‌ویژه محارم را می‌توان از جمله مهم‌ترین عوامل

زمینه‌ساز فرار دختران از خانه برشمرد (فرجاد، 1378، ص 28). درحالی‌که فرزندان در جریان نخستین تجربه‌های زندگی از جمله روند یادگیری، شرکت در گروه‌های هم‌سال، تجربه فرهنگ نوجوانی و تجربه آموزه‌های جنسی و شغلی هستند، والدین تجربه تعیین‌کننده زندگی و مراحل اساسی رشد را پشت سر گذاشته‌اند. امری که برای والدین عجیب‌وغریب به نظر می‌آید، رفتار فرزندان در این سن است. برای آن‌ها دشوار است که بپذیرند، نوجوانان به تدریج تجربه‌های آشنای دوران کودکی را پشت سر می‌گذارند. فرایند رشد و دگرگونی جوانان از یک‌سو و وضعیت زندگی والدین از سوی دیگر نشانه آن است که گرایش‌های آن‌ها در جهات متضاد در جریان هستند. مسائل و بحران‌های ناشی از وضعیت سنی فرزندان، رابطه بین آن‌ها با والدین خود را متحول می‌کند. غلبه بر دشواری‌های ناشی از این وضعیت، کاملاً به چگونگی ساختار پیوند بین فرزندان و والدین بستگی دارد (شفرز، 1395، ص 148). در همین راستا والدین موظف هستند نوجوانان را نیز برای ظهور آثار ناشی از بلوغ مهیا سازند؛ بنابراین، این عوامل اجتماعی همگی به‌طور ویژه‌ای موجب پیشگیری از فرار دختران از منزل می‌شوند.

3. حوزه‌های جرم‌شناختی

بسیاری از آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی به‌واسطه داشتن رویکرد جرم‌شناختی به آن‌ها قابل‌پیشگیری و کنترل هستند. در بسیاری از منابع جرم‌شناختی مشخص کردن حوزه‌ها و فضاها، جرم یکی از مزیت‌های آگاهی‌بخش برای کنترل نوجوانان در رفتارهای مجرمانه است (والش، براگا و سالیوان¹، 2014، ص 503). جرم‌شناسی اساساً با اتکا به حوزه‌های اثرگذار اجتماعی به دنبال آن است جرم را از طریق بستر فرهنگی و اجتماعی مختلف درک کند تا با یک همگرایی مانع افزایش جرائم در جامعه باشد (هایوارد و ایلان²، 2018، ص 263). در ارتباط با فرار دختران از منزل نیز این حوزه نقش مهمی در پیشگیری از فرار دارد. فرار ممکن است یک پدیده وابسته به جست-

1- Welsh, Braga & Sullivan

2- Hayward & Ilan

وجوی هویت خویش باشد یا می‌تواند در نتیجه مشکلات خانوادگی، محیطی و شخصی رخ دهد. حوزه جرم‌شناسی مشخص می‌کند که نوجوانان فراری با مسائل زیادی مواجه خواهند بود. در این ارتباط آن‌ها در معرض ابتلا به بیماری‌های مقاربتی، اختلالات پوستی، ضعف سیستم ایمنی، سوء تغذیه، ناهنجاری‌های روان‌شناختی از قبیل افسردگی، کاهش عزت‌نفس و احساس کفایت، اعتیاد و سوء مصرف مواد، اختلالات سلوک و رفتارهای ضد اجتماعی قرار می‌گیرند و مرتکب جرم می‌شوند (بلاها¹، 2001، ص 2؛ قلی‌زاده و همکاران، 1388، ص 140). بنابراین پیشگیری از فرار دختران به‌نوعی پیشگیری از جرائم بعدی تلقی می‌شود. در بسیاری از موارد، دختران به دلیل فساد حاکم بر محیط خانواده، به امید یافتن محیطی امن‌تر می‌گریزند؛ در حالی که توانایی کوچک‌ترین تغییر در اوضاع زندگی خود را ندارند. آنان از این موضوع غافل هستند که به علت نبود نهادهای حمایت‌کننده اجتماعی و ناآگاهی و بی‌تجربگی خود، در دامی گرفتار می‌شوند که از آن بی‌خبرند و آینده آن‌ها را تباہ می‌کند. این دختران در صورت بازنگشتن سریع به دامن خانواده و رها شدن در اجتماع، به دلیل نبود حمایت‌های قانونی و عدم امکان دستیابی به مکانی امن و یافتن شغلی شرافتمندانه، با مشکلات و مصائب بی‌شماری روبه‌رو خواهند شد. به طوری که بخت کمتری برای بازگشت به زندگی سالم و طبیعی خواهند داشت (معظمی، 1382، ص 6). از نگاه جرم‌شناختی مخاطراتی که پس از فرار، دختران جوان بی‌پناه و آسیب‌پذیر را تهدید می‌کند شامل گرفتار شدن در دام شبکه‌های قاچاق دختران و زنان جوان، تجاوز و آنگ اجتماعی است. بر همین اساس قاچاقچیان، خود را در مناطقی مانند پارک‌ها، مقابل مدارس راهنمایی و دبیرستان‌ها و اماکن عمومی می‌گمارند تا با پرسه‌زدن در این اماکن و شناسایی دخترانی که از منازل خود فرار کرده‌اند، آن‌ها را با وعده‌هایی به دام اندازند. گاهی فرار، پس از طرح دوستی و آشنایی از سوی دلالان شبکه‌های قاچاق و دادن وعده‌های مختلف چون خروج آسان از کشور و درآمد خوب و زندگی بهتر، اتفاق می‌افتد. معمولاً دختران فراری که آسیب‌پذیر نیز هستند، گرفتار مشکل تجاوز، اجبار و تحمیل

1- Blaha

می‌شوند. قاچاقچیان، دختران جوانی را که به هر انگیزه از خانه خود گریخته‌اند، وسیله درآمد خود قرار می‌دهند. آن‌ها را به برقراری ارتباط جنسی و انجام کارهای خلاف مجبور می‌کنند. در سال‌های اخیر نوع جدیدی از فریب و قاچاق دختران و زنان از طریق اینترنت مشاهده می‌شود که بیشتر حاصل گسترش شبکه‌های ارتباطی مجازی است. در نهایت آنگ اجتماعی و عدم امکان بازگشت به شرایط گذشته، از دیگر پیامدها و مخاطرات در مورد دختران فراری است (فرجاد، 1378، ص 33).

جرم‌شناسی کاربردی متشکل از سه شاخه جرم‌شناسی حقوقی، جرم‌شناسی بالینی و جرم‌شناسی پیشگیری است. جرم‌شناسی با راهبردهای درمانی از طریق جرم‌شناسی بالینی کمک فراوانی برای درمان مجرمان و پیشگیری از جرم دارند. جرم‌شناسی بالینی انسان‌های بزهکار و مجرمین خطرناک را به‌منظور یافتن بهترین راه‌حل‌ها جهت اصلاح و درمان آنان و جلوگیری از تکرار جرم مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد (رحیمی‌نژاد، 1395، ص 29) و به همین جهت اصل جرم‌شناسی بالینی از مدل پزشکی الگو می‌گیرد. جرم‌شناسی بالینی به بسترها و عوامل ارتکاب جرم توجه دارد و در مورد کسی که مرتکب جرم شده است به علت‌یابی می‌پردازد. چنانچه بزهکار علی‌رغم ارتکاب اولین جرم، کماکان تمایل به ارتکاب جرم داشته باشد جرم‌شناسی بالینی باید به دنبال یافتن راه‌های اصلاح و درمان مناسب باشد (بابائی، 1390، ص 13). به سخن دیگر، یکی از مهم‌ترین وظایف یا محور فعالیت علم جرم‌شناسی بالینی را باید در تعیین و ارائه طرق معالجه بزهکاران بر مبنای ویژگی‌های روانی و روحی و درجه ابتلای آنان به بیماری بزهکاری و دیگر معیارهای اجتماعی دانست. گذشته از مطالعه بزهکار و ارائه روش‌های درمانی به‌منظور جلوگیری از تکرار جرم، جرم‌شناسی بالینی به بررسی راه‌های پیشگیری از جرم و مراقبت و نگهداری مجرمان نیز اهتمام می‌ورزد (میرخلیلی، 1399، ص 65).

روش

روش این پژوهش کمی و از نوع پیمایشی است که در آن با استفاده از ادبیات نظری موجود، فرضیاتی برای بررسی روابط بین متغیرها تدوین شده و سپس با پشتوانه نظری موجود، متغیرها ضمن شاخص‌سازی به‌صورت عملیاتی به متغیرهایی قابل‌سنجش تبدیل شده‌اند و در جامعه مورد سنجش قرار گرفته‌اند. جامعه آماری پژوهش شامل همه دختران فراری شهر تهران هستند که حداقل یک بار در زندگی تجربه فرار از منزل را داشته‌اند و با توجه به نامشخص بودن جامعه آماری، برای برآورد حجم نمونه بر اساس فرمول حجم نمونه جامعه نامحدود استفاده شده است $(n = \sigma^2 z^2/d^2)$. سطح اطمینان به نتایج نمونه‌گیری است که مقدار آن 1.96 یا 2.58 است و d مقدار خطای قابل تحمل که معمولاً 0.05 یا 0.01 است و بر اساس آن 180 نفر از دختران فراری در معرض سنجش قرار گرفته‌اند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامه محقق‌ساخته بوده که اعتبار صوری و پایایی آن مورد تأیید قرار گرفته است. در این تحقیق از داده‌های تصنعی و معادل میانگین استفاده شده است. تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی و پیش‌بینی انجام شده و به‌منظور سنجش اثر متغیرهای مستقل تحقیق بر وابسته از آزمون‌های همبستگی و مدل معادله ساختاری از نرم‌افزارهای آماری Spss و Amos Graphics استفاده شده است.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

جدول 1- توزیع فراوانی سن

گروه سنی	فراوانی	درصد فراوانی
کمتر از 13 سال	17	9/5
13 تا 16 سال	23	12/8
16 تا 19 سال	55	30/5
19 تا 22 سال	85	47/2
جمع	180	100

در اولین متغیر جمعیت‌شناختی سن بررسی شده است و اطلاعات مربوط به

سن پاسخگویان نشان می‌دهد که رده سنی 19 تا 22 سال با 47/20 درصد بیشترین فراوانی پاسخگویان را تشکیل می‌دهند.

جدول 2- توزیع فراوانی تحصیلات

تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی
دوره اول	13	7/2
دوره دوم دبستان	41	22/8
دوره اول دبیرستان	46	25/5
دوره دوم دبیرستان	59	32/8
بی جواب	21	11/7
جمع	180	100

در زمینه تحصیلات نیز نتایج نشان می‌دهد که گروه تحصیلی دوره دوم دبیرستان با فراوانی 32/77 درصد دارای بیشترین فراوانی و بعد از آن، دوره اول دبیرستان با فراوانی 25/55 در جایگاه دوم است.

جدول 3- توزیع فراوانی وضعیت سکونت

سکونت	فراوانی	درصد فراوانی
تهران	72	40/0
استان‌های مجاور تهران	46	25/5
سایر شهرهای استان تهران	43	23/9
بی جواب	19	10/6
جمع	180	100

همچنین اساس اطلاعات توصیفی به دست آمده 40 درصد از پاسخگویان ساکنان اصلی و بومی شهر تهران هستند و 25/55 درصد از ساکنان استان‌های مجاور تهران به ویژه استان البرز هستند.

جدول 4- توزیع فراوانی وضعیت اشتغال والدین

اشتغال والدین	فراوانی	درصد فراوانی
استخدام دولتی	28	15/0
آزاد	69	38/3
بیکار	42	23/9
بی جواب	41	22/8
جمع	180	100

از لحاظ اشتغال والدین نیز 38/33 درصد، مشاغل والدین را آزاد بیان کرده و فقط 15 درصد آن‌ها اشتغال دولتی داشته و 22/77 درصد شغل والدین خود را بیان نکرده‌اند. در پایان، بررسی وضعیت درآمد نتایج نشان داده که 60 درصد آن‌ها هیچ درآمدی ندارند و 26/11 درصد به سؤال پاسخ نداده‌اند که به احتمال زیاد آن‌ها هم فاقد درآمد بوده‌اند. البته تعداد بسیار کمی از آن‌ها دارای درآمد جزئی بوده‌اند که عمدتاً از مشاغل کاذب و دست‌فروشی به دست آمده است.

یافته‌های استنباطی

آمار استنباطی نشان می‌دهد که چگونه باید نتایج و بررسی‌های حاصل از نمونه آماری را به جامعه آماری تعمیم داد و فرضیات را آزمون کرد و رابطه بین متغیرها بررسی می‌شود.

1) حوزه‌های اجتماعی (حمایت اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی و حفاظتی، سطح نوگرایی، سنت‌گرایی و پدرسالاری و سطح انزوای اجتماعی) بر پیشگیری از پدیده فرار دختران از منزل در شهر تهران تأثیر دارند.

در اولین فرض کلی، رابطه بین حوزه‌های اجتماعی (حمایت اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی و حفاظتی، سطح نوگرایی، سنت‌گرایی و پدرسالاری و سطح انزوای اجتماعی) و پیشگیری از فرار دختران از منزل بررسی شد و با توجه به ضریب همبستگی 0/399 و سطح معناداری کمتر از 5 درصد رابطه معنادار بوده است؛ بنابراین، متغیرهای حوزه‌های اجتماعی عامل تأثیرگذاری بر پیشگیری از فرار دختران تهرانی از منزل است.

جدول 5- آزمون همبستگی اسپیرمن متغیرهای حوزه‌های اجتماعی و پیشگیری از فرار دختران

حوزه‌های اجتماعی	پیشگیری از فرار دختران		
.399**	1.000	Correlation Coefficient	پیشگیری از فرار دختران
.000	.	Sig. (2-tailed)	
180	180	N	Spearman's rho
1.000	.399**	Correlation Coefficient	
.	.000	Sig. (2-tailed)	
180	180	N	حوزه‌های اجتماعی

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

2) حوزه‌های روان‌شناختی (خصوصیات ذهنی و عاطفی، خصوصیات شخصیتی، عزت‌نفس، اختلالات رفتاری و ارتباطی، ناتوانی‌های یادگیری و بیماری روانی والدین) بر پیشگیری از پدیده فرار دختران از منزل در شهر تهران تأثیر دارند.

در بررسی رابطه بین حوزه‌های روان‌شناختی (خصوصیات ذهنی و عاطفی، خصوصیات شخصیتی، عزت‌نفس، اختلالات رفتاری و ارتباطی، ناتوانی‌های یادگیری و بیماری روانی والدین) و پیشگیری از فرار دختران در شهر تهران ضرایب همبستگی 0/321 و سطح معناداری کمتر از 5 درصد نشان داده که متغیرهای حوزه‌های روان‌شناختی عامل تأثیرگذاری بر پیشگیری از فرار دختران تهرانی از منزل هستند.

جدول 6- آزمون همبستگی اسپیرمن متغیرهای حوزه‌های روان‌شناختی و پیشگیری از فرار دختران

پیشگیری از فرار دختران		حوزه‌های روان‌شناختی	
Correlation Coefficient	1.000	0.321**	
Sig. (2-tailed)	.	.000	
N	180	180	
Spearman's rho			
Correlation Coefficient	0.321**	1.000	
Sig. (2-tailed)	.000	.	
N	180	180	

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

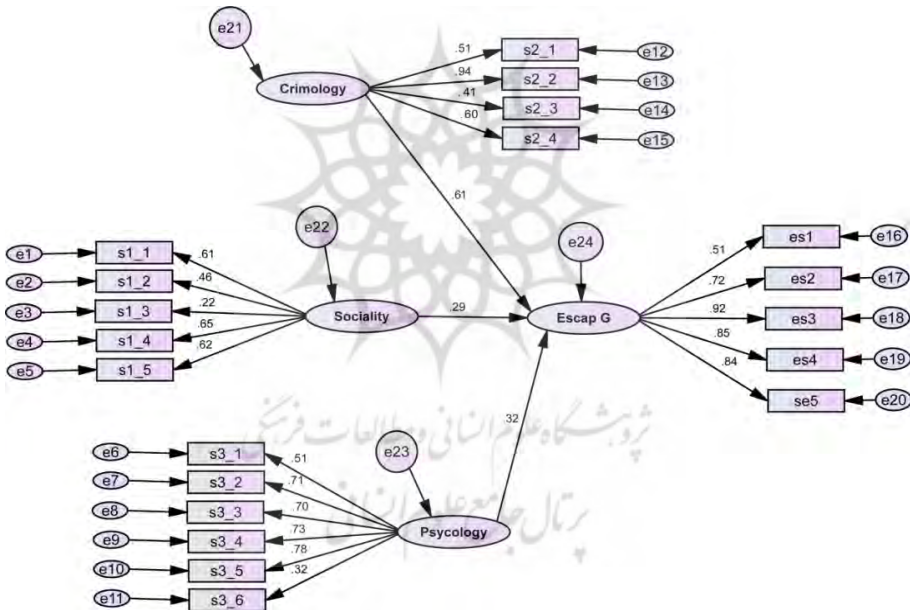
- حوزه‌های جرم‌شناختی (تجربه قبلی آزار جسمی یا جنسی، سابقه جرائم خانوادگی، خشونت خانگی، درگیری نوجوان و والدین) بر پیشگیری از پدیده فرار دختران از منزل در شهر تهران تأثیر دارند.

درنهایت در سومین فرض کلی نیز حوزه‌های جرم‌شناختی (تجربه قبلی آزار جسمی یا جنسی، سابقه جرائم خانوادگی، خشونت خانگی، درگیری نوجوان و والدین) با پیشگیری از فرار دختران از منزل در شهر تهران رابطه دارند و بر اساس سطح معناداری کمتر از 5 درصد و ضریب همبستگی 0/393 می‌توان بیان کرد متغیرهای حوزه‌های جرم‌شناختی عامل تأثیرگذاری بر پیشگیری از

فرار دختران تهرانی از منزل است.

مدل کلی پژوهش

به منظور تعیین شدت و جهت تأثیر متغیرهای مستقل بر پدیده پیشگیری از فرار دختران از یک مدل معادله ساختاری بهره گرفته شده است که نحوه سنجش یک متغیر پنهان را با استفاده از دو یا تعداد بیشتری متغیر مشاهده شده تعریف می‌کند. همچنین می‌توان گفت در مدل اندازه‌گیری مشخص می‌شود که تعداد متغیرهای مشاهده شده برای یک متغیر پنهان تا چه حد تحت تأثیر متغیر پنهان موردنظر و تا چه حد تحت تأثیر متغیر خطا هستند.



مدل 1- مدل معادله ساختاری برای پیشگیری از فرار دختران

در مدل فوق، 20 متغیر مشاهده شده وجود دارد که این متغیرها از تجمیع تعداد زیادی گویه در حوزه‌های اجتماعی، حوزه‌های روان‌شناختی و حوزه‌های جرم‌شناختی حاصل شده‌اند. متغیرهای مشاهده شده شامل 20 متغیر مستقل اصلی پژوهش هستند که در مدل مشخص شده و برای تبیین متغیر مستقل و

وابسته پدیده فرار دختران از منزل به کار رفته‌اند. متغیرهای خطای e_1 تا e_{20} نماد خطای اندازه‌گیری 20 متغیر مشاهده‌شده برای متغیرهای مدل هستند. در مدل فوق با توجه به جهت پیکان‌ها از سمت متغیر پنهان به سمت متغیر مشاهده‌شده که معرف آن متغیر پنهان است، بیانگر این نکته روش‌شناختی است که نمره هر پاسخگو در متغیر مشاهده‌شده تحت تأثیر وضعیتی است که آن پاسخگو در متغیر پنهان زیربنایی مرتبط با متغیر مشاهده‌شده دارد؛ برای مثال، در این مدل متغیرهای پنهان شامل حوزه‌های اجتماعی، حوزه‌های روان‌شناختی و حوزه‌های جرم‌شناختی که هر کدام با تعدادی شاخص آشکار تعریف شده‌اند. حوزه‌های جرم‌شناختی با چهار متغیر تجربه قبلی آزار جسمی یا جنسی، سابقه جرائم خانوادگی، تجربه خشونت خانگی و تجربه درگیری نوجوان و والدین تعریف شده‌اند.

در تعریف بارهای عاملی همه بارهای عاملی با ضرایب بالایی توانسته‌اند متغیر پنهان را تعریف کنند. در تعریف حوزه‌های جرم‌شناختی متغیر «سابقه جرائم خانوادگی» با ضریب 0/94 بالاترین توان تبیین حوزه‌های جرم‌شناختی داشته است و در مورد حوزه‌های اجتماعی نیز «سنت‌گرایی و پدرسالاری» با ضریب 0/65 بالاترین توان تبیین حوزه‌های اجتماعی را داشته است و نهایتاً در حوزه‌ها روان‌شناختی ناتوانی‌های یادگیری» با ضریب 0/76 بالاترین توان تبیین حوزه‌های روان‌شناختی را داشته است. در بحث ساختاری نیز حوزه‌های جرم‌شناختی با ضریب 0/61 بالاترین اثر را بر پیشگیری از پدیده فرار دختران از منزل دارد و همچنین حوزه‌های روان‌شناختی با ضریب 0/32 و حوزه‌های اجتماعی با ضریب 0/29 بر پیشگیری از پدیده فرار دختران از منزل اثر دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

خانواده به‌عنوان یکی عالی‌ترین نهاد جامعه، نقش کامل و حساسی در جامعه‌پذیری و رشد کودکان دارد. خانواده تحت شرایط صحیح، کودکان را آماده می‌سازد تا توانایی‌های بالقوه خود را شناسایی کرده و به‌عنوان افراد بالغ نقش‌های سودمندی را در جامعه برعهده گیرند. اگر کارکردهای خانواده

به خوبی محقق نشود، آسیب‌های اجتماعی زیادی متوجه اعضای خانواده خواهد بود. یکی از این آسیب‌ها، فرار کودکان از خانه است و پدیده فرار از منزل نوجوانان، بی‌شک یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی خانواده‌هاست. اگرچه فرار از منزل، خود معلولی از علت‌های متعدد است، اما می‌توان از آن به‌عنوان علتی برای ارتکاب جرائم بعدی بر ضد خود فرد و سایر اعضای جامعه یاد کرد. به‌طورکلی، آسیب‌های اجتماعی نظیر فرار از خانه دارای زمینه‌ها و ابعاد مختلفی هستند و عوامل گوناگونی از جمله عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی در شکل‌گیری آن مؤثر است. در طی سال‌های اخیر در ایران مطالعاتی صورت گرفته است که از بحرانی‌شدن این مسئله در سطح جامعه حکایت دارد. آمارهای منتشرشده در این‌باره نیز هر روز ابعاد نگران‌کننده‌تری را نشان می‌دهند که بیانگر جریان رو به رشد این معضل اجتماعی در سطح جامعه است. این جریان در حالی وقوع می‌یابد که جامعه ایران در وضعیتی دوگانه بین نظام سنتی پدرسالارانه و نظام مدرن فردگرایی در نوسان است. به‌طور طبیعی افراد جامعه ایرانی در طیفی میان این دو ارزش قرار داشته و رفتارهای متفاوتی را از خویش بروز می‌دهند و البته تأثیر این تناقض‌های ارزشی در میان نوجوانان و جوانان به‌دلیل به‌وجود آمدن شکاف نسلی بیش از سایرین مشاهده می‌شود؛ زیرا که نوجوانان به‌دلیل ویژگی شخصیتی خاص خود جویای نوآوری، کسب ارزش‌های نوین زندگی و تجربه‌اندوزی شیوه‌های جدیدی از زندگی هستند که در مواقعی در تناقض آشکار با نسل‌های پیشین است. این تناقض که عرصه‌های متفاوت زندگی افراد جوان جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، خود باعث می‌شود تا اقتدار پدر به‌خصوص در خانواده‌های ازهم‌گسیخته و یا دارای روابط زورگویانه به‌عنوان محور خانواده زیر سؤال رفته و جوان برای حفظ هویت فردی خویش خانواده را در مقابل حفظ فردیت خود رها کرده و بدون هیچ مأوا و سرپناهی به خارج از خانه پناه ببرد و زندگی جدیدی را تجربه کند. این تنهایی به‌علاوه فقدان نهادهای حمایتی رسمی و همچنین وجود سنت‌هایی که امکان بازگشت مجدد آنان را به منزل محدود می‌سازد، خود عاملی در دامن‌زدن به پیامدهای این معضل اجتماعی است؛ بنابراین، با توجه به عوامل

فوق می‌توان گفت پدیده فرار در ایران و کشورهای که از نظر ساختارهای اجتماعی مشابهت نزدیکی با ایران دارند، آثار و پیامدهای گسترده‌تری را به همراه داشته که بیانگر ضرورت توجه جدی‌تری به این معضل در این‌گونه کشورهاست.

در سطحی نظری می‌توان اذعان داشت که هر یک از آسیب‌های ناشی از فرار دختران در جامعه حاصل انواع اختلالات اجتماعی شامل اختلالات توزیعی، ارتباطی و هنجاری است یافته‌های این پژوهش به‌صورت کاربردی نشان داده‌اند در حوزه‌های جرم‌شناختی مسائل مانند تجربه قبلی آزار جسمی یا جنسی، سابقه جرائم خانوادگی، خشونت خانگی، درگیری نوجوان و والدین هر کدام تأثیر مستقیمی بر پدیده فرار دختران از منزل در شهر تهران دارند. تأیید آماری این یافته‌ها به نحوی هم تأیید نظریات موجود است که بر اساس این نظریات (ساروخانی، 1390؛ معظمی، 1382؛ شکاری، 1386؛ موسوی، 1386 و کاوه، 1393) پدیده فرار دختران از منزل به علت تجارب منفی، خانواده ازهم‌پاشیده و تجربه خشونت و نابسامانی خانوادگی بوده است. از طرف دیگر، یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش حقیقت‌دوست (1383) در نقش عوامل خانوادگی مانند جدایی والدین، نابسامانی‌های خانوادگی، اعتیاد یکی از والدین به‌ویژه پدر و سوءرفتار برادر بزرگ‌تر با خواهران در افزایش فرار دختران همسو است و در پژوهش اردلان و همکاران (1387) در نقش بی‌سرپرستی و بدسرپرستی خانواده، طلاق، سوءاستفاده و آزار بر فرار دختران همسو است و همچنین در پژوهش‌های شفیع‌پور (1395)، زمانی (1393) و پیکری و همکاران (1399) در مطالعه نقش عوامل خانوادگی بر فرار دختران همسویی وجود دارد. فرار دختران از منزل یک پدیده اجتماعی ناهنجار است که شدیداً زندگی خانوادگی و اجتماعی افراد را تحت تأثیر قرار داده و به پیامدهای بسیار بدی برای خانواده و نظام اجتماعی منجر می‌شود. فرار دختران از منزل مانند هر پدیده اجتماعی دیگر قابل پیشگیری و قابل شناخت است و با شناخت عوامل مؤثر بر آن می‌توان از پیامدهای نامطلوب آن پیشگیری و باعث کنترل آن در سطح اجتماع شد. از طرفی هم برای نهادهای جرم‌شناختی و امنیتی مسئله فرار دختران یک چالش اساسی و مهم

است و مطالعه حوزه‌های جرم‌شناختی آن می‌تواند راهبردهای قابل‌اعتمادی برای کنترل و پیشگیری این پدیده در اجتماع فراهم آورد. بر همین اساس، نتایج کلی این پژوهش نشان داد که حوزه‌های اجتماعی، حوزه‌های روان‌شناختی و حوزه‌های جرم‌شناختی در پیشگیری پدیده فرار دختران از منزل نقش ویژه‌ای دارند.

پیشنهادها

- مسئله فرار دختران به دلیل سن پایین آن‌ها و قرار داشتن در موقعیت‌های احساسی زندگی، نیاز به آموزش‌هایی پیشگیرانه بیش از هر اقدام دیگری احساس می‌شود.
- در خصوص افزایش مهارت‌های نوجوانان در تعیین هدف، تصمیم‌گیری و مقابله متکی به خود، جهت کاهش انواع رفتارهای مشکل‌زا که معمولاً در بین نوجوانان فراری یافت می‌شود، اقدام شود.
- نسبت به مداخله آموزشی مؤثر برای کاهش رفتارهای پرخطر و کمک به دختران فراری جهت وصل‌نمودن دوباره به مدرسه و خانواده برنامه‌ریزی و اقدام شود.
- آموزش‌های رسمی از طریق مدارس، رسانه و خانواده در خصوص کیفر مجرمان و پیامدهای رفتارهای مجرمانه برای آنان، صورت گیرد.
- آموزش‌های لازم به والدین در خصوص نحوه رفتار با فرزندان، ارائه شود.
- از ابتلای دختران به افسردگی و سایر بیماری‌های روانی از طریق توجه به مشکلات روحی دختران و جدی گرفتن تهدیدها و خواسته‌های آنان جلوگیری شود.
- بیماری یا فوت یکی از اعضای خانواده، مشکلات اقتصادی و ... از جمله موضوعاتی هستند که باعث افزایش تنش روانی در میان اعضای خانواده می‌شود که زمینه‌ساز فرار دختران است؛ لذا در این مواقع والدین باید زمینه به‌وجود آمدن اختلافات و تنش‌های خانوادگی را از بین ببرند.

– والدین از مشاوره‌های روان‌شناسی در خصوص نحوه رفتار با فرزند استفاده نمایند.

سیاسگزاری

در پایان، محققین بر خود لازم می‌دانند از مشارکت کنندگان در پژوهش و همه عزیزانی که در راستای غنی‌تر شدن این پژوهش همکاری و مساعدت نمودند، صمیمانه قدردانی و تشکر می‌نمایند.



منابع

- ابراهیمی، شهرام. (1396). *جرم‌شناسی پیشگیری*. جلد اول. چاپ چهارم. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- احمدی، حبیب. (1389). *جامعه‌شناسی انحرافات*. نوبت چهارم. تهران: انتشارات سمت.
- احمدی، سید احمد. (1393). *روان‌شناسی نوجوانان و جوانان*. اصفهان: انتشارات صغیر.
- اردلان، علی؛ سیدان، فریبا؛ و ذوالفقاری، مصطفی. (1387). عوامل مؤثر بر فرار دختران از خانه. *رفاه اجتماعی*، ۷ (۲۹)، ۲۷۸-۲۵۷. قابل بازیابی از: https://refahj.uswr.ac.ir/browse.php?a_id=2094&sid=1&slc_lang=fa
- بابائی، محمدعلی. (1390). *جرم‌شناسی بالینی*. چاپ دوم. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- پیکری، ناصر؛ بارانی، محمد؛ و حسن‌زاده، عبدالله. (1399). علل و عوامل فرار دختران از منزل (مطالعه موردی: شهر آمل). *زن و مطالعات خانواده*، 2(48)، 105-125. قابل بازیابی از: https://jwsf.tabriz.iau.ir/article_674699.html
- جزایری، سید عباس و قائدی، امیر. (1400). جرم‌شناسی بالینی و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران. *فقه و حقوق نوین*، 2(5)، 89-113. قابل بازیابی از: http://www.jaml.ir/article_244693.html
- حقیقت‌دوست، زهرا. (1383). عوامل زمینه‌ساز فرار دختران از خانه. *رفاه اجتماعی*، 3(13)، 251-266. قابل بازیابی از: https://refahj.uswr.ac.ir/browse.php?a_id=2218&sid=1&slc_lang=fa
- رحیمی‌نژاد، اسماعیل. (1395). *جرم‌شناسی*. تبریز: انتشارات فروزش

- زمانی، فریبا. (1393). آسیب‌شناسی وضعیت خانوادگی دختران فراری در شهر تهران (با رویکردی به نظریه تعارض فرهنگی و خرده‌فرهنگ). جامعه‌پژوهی فرهنگی، 5(1)، 33-58. قابل‌بازیابی از: https://socialstudy.ihcs.ac.ir/article_1415.html
- ساروخانی، باقر. (1390). جامعه‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات سروش.
- ستوده، هدایت‌الله. (1390). آسیب‌شناسی اجتماعی. چاپ دهم. تهران: آوای نور.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. (1390). نگاهی نو به روان‌شناسی انسان سالم یا سفری کوتاه در شخصیت انسان. تهران: انتشارات اطلاعات.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. (1392). روان‌شناسی رشد (2)؛ کودکی و نوجوانی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- شفرز، برنهارد. (1395). مبانی جامعه‌شناسی جوانان. ترجمه کرامت‌الله راسخ. تهران: نشر نی
- شفیع‌پور، اعظم. (1395). پدیده فرار دختران از منزل (معضل شهرهای بزرگ)، همایش بین‌المللی مدیریت نوین در افق 1404. تهران. قابل‌بازیابی از: <https://civilica.com/doc/550118>
- شکاری، عبدالعظیم. (1386). فرار از مدرسه و راه پیشگیری از آن. تهران: انتشارات اطلاعات.
- فرجاد، محمدحسین. (1378). آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات. تهران: انتشارات بدر.
- فرجاد، محمدحسین. (1388). آسیب‌شناسی اجتماعی کودکان خیابانی، دختران فراری، زنان روسپی. تهران: انتشارات علم.
- قاسمی‌پیربلوطی، اکبر؛ جعفری، میثم؛ خورشیدی، محمدموسی؛ و تنهایی، سمیه. (1400). آسیب‌شناسی فرهنگی - جرم‌شناختی پدیده فرار دختران

از منزل. نخستین همایش ملی ایده‌های کاربردی در علوم تربیتی، روان-شناسی و مطالعات فرهنگی، بوشهر. قابل بازیابی از:

<https://civilica.com/doc/1318271>

— قلی‌زاده، زلیخا؛ بخشی‌پور، عباس؛ و باباپور خیرالدین، جلیل. (1388). بررسی عوامل شخصیتی، محیطی و سبک حل مسئله مؤثر بر فرار دختران از منزل. پژوهش‌های نوین روان‌شناختی، 4(13)، 139-159. قابل بازیابی از:

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1105263>

— کاوه، محمد. (1393). آسیب‌شناسی بیماری‌های اجتماعی. ج 2. چاپ دوم. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

— کرین، ویلیام سی. (1385). پیشگامان روان‌شناسی رشد. ترجمه فرید فدایی. تهران: انتشارات اطلاعات.

— معبودیان، بهروز. (1394). آسیب‌شناسی فرار از خانه. تهران: نشر ساوالان.

— معظمی، شهلا. (1382). فرار دختران، چرا؟ به سفارش دانشگاه تهران. دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مؤسسه تحقیقات علوم جزائی و جرم-شناسی. تهران: انتشارات گرایش.

— معظمی، شهلا؛ و اسماعیلی، محسن. (1399). جرم‌شناسی پدیده فرار از منزل نوجوانان. رهیافت پیشگیری از جرم، 2(3)، 99-124. قابل بازیابی از:

http://www.jcpa.ir/article_243165.html

— منصور، محمود. (1378). روان‌شناسی ژنتیک. تهران: سمت.

— موسوی، شکوفه. (1386). فرار از خانه؛ مروری بر عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی. تهران: نشر قطره.

— میرخلیلی، سید محمود. (1399). جرم‌شناسی. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

– میرزمانی بافقی، سیدمحمود. (1383). ویژگی‌هایی و خانوادگی دختران فراری در شهر تهران. نخستین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران. 273-294.

– نوایخش، مهرداد؛ و قائدی محمدجواد. (1386). تأثیر عوامل خانوادگی و روانی بر فرار دختران از خانه. *روان‌شناسی کاربردی*، 1(4)، 57-63. قابل بازیابی از:

https://refahj.uswr.ac.ir/browse.php?a_id=2218&sid=1&slc_lang=fa

– Abdel-Baki, A., Aubin, D., Morisseau- Guillot, R., Lal, S., Dupont, M. È., Bauco, P., ... & Iyer, S. N. (2019). Improving mental health services for homeless youth in downtown Montreal, Canada: Partnership between a local network and ACCESS Esprits ouverts (Open Minds), a National Services Transformation Research Initiative. *Early intervention in psychiatry*, 13, 20-28. Retrieved from:

<https://doi.org/10.1111/eip.12814>

– Blaha, M. (2001). Runaway Prevention Curriculum Teacher Guide. *Journal of Adolescent Research*.7:1-17.

– De Man, A. F. (2000). Predictors of adolescent running away behavior. *Social Behavior & Personality: an international journal*, 28(3), 261-268. Retrieved from:

<https://b2n.ir/e20459>

– Edinburgh, L. D., & Saewyc, E. M. (2009). A novel, intensive home-visiting intervention for runaway, sexually exploited girls. *Journal for specialists in pediatric nursing: JSPN*, 14(1), 41-48. Retrieved from:

<https://doi.org/10.1111/j.1744-6155.2008.00174.x>

– Gwadz, M., Freeman, R. M., Kutnick, A. H., Silverman, E., Ritchie, A. S., Cleland, C. M., Leonard, N. R., Srinagesh, A., Powlovich, J., & Bolas, J. (2018). Do Programs for Runaway and Homeless Youth Work? A Qualitative Exploration From the Perspectives of Youth Clients in Diverse Settings. *Frontiers in public health*, 6, 112. Retrieved from:

<https://doi.org/10.3389/fpubh.2018.00112>

- Hayward, K., & Ilan, J. (2018). Cultural criminology. In *The Routledge Companion to Criminological Theory and Concepts* (pp. 262-266). Routledge. Retrieved from:
<https://b2n.ir/u76595>
- Lightfoot, M., Stein, J. A., Tevendale, H., & Preston, K. (2011). Protective factors associated with fewer multiple problem behaviors among homeless/runaway youth. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology*, 40(6), 878-889. Retrieved from:
<https://doi.org/10.1080/15374416.2011.614581>
- Solorio, M. R., Milburn, N. G., Rotheram-Borus, M. J., Higgins, C., & Gelberg, L. (2006). Predictors of sexually transmitted infection testing among sexually active homeless youth. *AIDS and behavior*, 10(2), 179–184. Retrieved from:
<https://doi.org/10.1007/s10461-005-9044-8>
- Welsh, B. C., & Farrington, D. P. (2012). Crime prevention and public policy. *The Oxford handbook of crime prevention*, 1-18. Retrieved from:
<https://academic.oup.com/edited-volume/36312>
- Welsh, B. C., Braga, A. A., & Sullivan, C. J. (2014). Serious youth violence and innovative prevention: on the emerging link between public health and criminology. *Justice quarterly*, 31(3), 500-523. Retrieved from:
<https://doi.org/10.1080/07418825.2012.690441>
- Yani, F., Syahrin, A., Ablizar, M., Syahputra, M. (2022). The Role of Psychological Actions in Combat Crime Prevention Efforts, *Advances in Social Science, Education and Humanities Research*, volume 642, 259-264. Retrieved from:
<https://doi.org/10.2991/assehr.k.220204.040>